عباس سلیمی‌نمین، رئیس مرکز مطالعات و تدوین تاریخ معاصر در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان»:

امام برای کنترل صاحبان قدرت مردم را رشد می‌داد

علی جمشیدی
دبیر گروه سیاسی

جامعه امروز ایران در عبور از چهل‌ویکمین سالگرد انقلاب، با وجود جهش‌های معرفتی و گفتمانی بالایی که تجربه کرده، همچنان در برخی مقاطع و در مواجهه با بعضی موضوعات کمیت لنگی دارد که اجازه حرکت شتابان و عبور از مشکلات و ایرادات را نمی‌دهد. برای مثال در میان کنشگرانی که شاید عمدتا از نسل‌های سوم و چهارم انقلاب هم باشند، نوع مواجهه با مساله‌ای به‌نام عدالت و عدالتخواهی و مصادیق متعدد آن نه تنها با یک اشتراک نظر همراه نیست که گاهی آن‌قدر نظرات متفاوت است که رویارویی، جدال و بعضا تکفیر نتیجه پرداختن به یک مساله در جامعه است. یا در مصادیقی از آزادی‌های اجتماعی به همین صورت. این چالش البته صرفا مربوط به درگیری تئوریک میان قشر جوان‌تر جامعه نیست و در بسیاری از موارد موضوع اصلی تفاوت نگاهی است که میان نسل اول و دوم یا جوان‌تر ها رخ می‌دهد، بسیاری از اوقات چالش میان مردم با برخی مسئولان است و حتی گاهی درگیری توده-نخبه. راه حل اما چیست؟ حتما یکی از اصلی‌ترین مسیرهای کاهش این تنش و رفع ایراداتی که امروز در کشور دیده می‌شود، رجوع به کلام و میراث سیره عملی امام راحل(ره) است که به‌عنوان مبانی و اصول اساسی می‌تواند گره‌گشایی کند. در این خصوص و در آستانه ۱۴ خرداد، سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) با عباس سلیمی‌نمین، کارشناس تاریخ و رئیس مرکز مطالعات و تدوین تاریخ معاصر به گفت‌وگو نشستیم و نظرات وی را در این زمینه جویا شدیم. مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

ابعاد و ویژگی‌های عدالتخواهی از منظر امام(ره) چیست و با چه ضوابط و مختصاتی باید پیگیری شود؟

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره امام(ره) به‌عنوان شخصیتی که همه به او مدیون هستیم، ابتدا باید گفت به‌خاطر خدمات ایشان به این سرزمین ما برای اولین‌بار در تاریخ معاصر از مسیر سلطه خارج شدیم و در مسیر استقلال قرار گرفتیم.

یک‌سری موضوعات آرمان‌بشر بوده و همچنان خواهد بود و رسیدن به آن هم یک اتفاق تدریجی و تحولی است، چراکه در مسائل کلان آرمانی موضوعات و مسائل متعدد در میان است و صرف یک‌اراده نمی‌تواند بر همه مسائل دخیل برآن موضوع تسلط یابد. برخی موضوعات از اراده یک انسان و یک ملت خارج است، در جامعه ما نیز تحقق عدالت منوط به برخی مسائل داخلی و خارجی است، یعنی خارج از اراده ماست؛ البته در داخل کشور نیز موضوعات مختلفی در تحقق عدالت دخیل است که برخی از آنها هرگز در چارچوب اراده کسانی که دلسوز کشور هستند، قرار ندارد.

چالش دائمی بین حق‌طلبان و زیاده‌طلبان در جریان است

بنابراین در بحث عدالت عوامل بسیاری دخیل است اما برخی مسائل هرروز پیچیده‌تر می‌شود و به موازات حرکت انسان‌ها برای دستیابی به عدالت، ایجاد مانع هم به‌وفور وجود دارد و این چالش بین حق‌طلبان و زیاده‌طلبان ادامه دارد.

به موازات اینکه حق‌طلبان سعی کنند جایگاه اشراف خود را ارتقا دهند آنها هم تلاش می‌کنند راهکارهای جدیدی ابداع کنند تا بتوانند زیاده‌خواهی‌های خود را محقق سازند و این گونه نیست که دست بردارند.

برخی حق‌طلبان زیاده‌طلبان را مرور کنیم.

وقتی رویکرد امام(ره) را در این زمینه بررسی می‌کنیم متوجه تدابیر جدی ایشان در عرصه داخلی برای اینکه افراد را مجاب به قانون‌مداری کنند، می‌شویم.

یکی از مسائلی که لازم به‌ذکر است، قانون‌مدار شدن افراد عدالتخواه است، چراکه امکان دارد شعار عدالت به‌دهید اما خودتان قانون‌مدار نباشید و سیره‌های غیرقانونی را برای اجرای عدالت دنبال کنید؛ با چنین رویکردی هرگز به عدالت نمی‌رسید و نمی‌توانید حتی یک گام جامعه را در زمینه عدالت جلو ببرید و حتی نتایج معکوس و عقیم‌گرد ایجاد خواهید کرد.

یعنی معتقدید امام قائل به عدالتخواهی مبتنی‌بر قانون بودند؟

امام در این زمینه یک همه‌جانبه‌نگری وسیعی داشتند و برای اجرای عدالت معتقد بودند باید حتما میان نیروهای عدالتخواه یا نیروهایی که وجه مشترکی در ارتباط با عدالتخواهی دارند، وحدت ایجاد کنید در غیر این صورت قادر نخواهید بود در زمینه عدالت گام بردارید؛ چراکه اگر غیر از این باشد نمی‌توانید و درهم شکسته و نامیدمی می‌شوید.

بنابراین شما زمانی موفق می‌شوید در زمینه عدالت گام موثر بردارید که تمام توان خود را در این زمینه جمع‌آوری و متحد و موفق کنید.

این وحدت‌رویه برای تحقق عدالت در نگاه امام چطور بروز و ظهور داشت؟

این وحدت از این رو بود که امام(ره) مکانیسم‌های بی‌عدالتی حاکم بر جهان را خوب می‌شناختند و می‌دانستند قدرتی که از این بی‌عدالتی حاصل شود، بسیار سنگین است.

خود بی‌عدالتی قدرت ایجاد می‌کند، نه قدرت در حمدرم بلکه درمقابل مردم، بنابراین وقتی بی‌عدالتی وجود داشته باشد سرمایه‌ها در جایی متمرکز شده و به یاری بی‌عدالتی درمی‌آید لذا برای اینکه بتوانید دربرابر این سرمایه‌ها و قدرت متراکم مقابله کنید باید نیروهای طالب عدالت را درکنار هم جمع کنید و هرگز نمی‌توانید این تصور را داشته باشید که یک‌تنه می‌توانید دربرابر نیروهای زیاده‌خواه بایستید؛ این تصوری ساده‌لوحانه است از این‌رو این موضوع را چه در جبهه داخلی و چه در جبهه بیرونی نمی‌توان نادیده گرفت.

برخی جای عدالتخواهی و جنجال‌آفرینی را تغییر داده‌اند، با نگاه امام چطور می‌توان این موضوع را تحلیل کرد؟

تفاوت بین عدالتخواهی و بحث جنجال، دقیقا در افشاگری است و این موضوع بیشتر رئست مبارزه با بی‌عدالتی است. اگر شما در ابتدا عواملی را که در مسیر بی‌عدالتی فعال هستند، نشناسید، صرفا شعارهای میان‌تهی خواهید داد و موجب یأس و بی‌انگیزگی جامعه می‌شوید.

امام(ره) ازجمله شخصیت‌هایی است که تاریخ را بسیار خوب دنبال کردند و بخش اعظم حیات پربرکت خود را قبل از اینکه مبارزه را شروع کنند برای شناخت جامعه بشری گذاشتند. ایشان هم جامعه و هم تاریخ خود و هم تاریخ سایر ملت‌ها را مطالعه کردند. بسیاری از کسانی که امروز مدعی پیروی از امام(ره) هستند فاقد این خصوصیات هستند. نه جامعه خود را می‌شناسند، نه جامعه بشری را می‌شناسند و نه تاریخ می‌دانند. لذا اصلا نمی‌توانند در مسیر امام(ره) حرکت کنند و ادعای آنها در این زمینه ادعاهای دقیقی نیست.

به‌نظر شما لازمه حرکت در خط امام(ره) چیست؟

لازمه در خط امام(ره) بودن درک مختلف جهانی است. یعنی اگر امام(ره) در مسائل جهانی حرکت موفقی دارد و برای تقویت عدالت می‌دانند ابتدا باید ملت‌های مظلوم را تقویت کنند تا شاخ در شاخت است، نه تاشی از شعار؛ درست است که جهت‌گیری شعاری امام(ره) شفاف است اما کار ما فقط از شعار شناخت است. یک شناختی به‌عنوان عقیده بحث عدالت‌طلبی وجود دارد و از این‌رو شما می‌بینید بسیاری از کسانی که با امام(ره) ادعای همراهی دارند در مسائل وحدت، گمیت آنها کاملا لنگ است!

امام(ره) تلاش بسیار زیادی دارند که در مسیر عدالتخواهی جاذبه حداکثری داشته باشند؛ حتی از قبل انقلاب نیز این‌طور بود و واقعا عجیب است و باور نمی‌کند که امام(ره) چقدر در این زمینه هوشمندی دارند و هرگز وارد تقابل با نیروهایی که در مسیر مقابله با استبداد و سلطه هستند، قرار نمی‌گیرند؛ یعنی هرگز آمریکایی‌ها و جریان استبداد توطئه می‌کنند تا جالشی بین نیروهای دمساستبداد و ضدسلطه ایجاد شود اما امام(ره) هوشمندانه از کنار آنها عبور می‌کند؛ مصادیق فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد و این موضوعی نیست که من بدون مصادیق تاریخی دراین‌باره صحبت کنم.

آیا امام(ره) با کسانی که بدون توجه به قانون به‌دنبال عدالتخواهی بودند‌اند، موافجهای داشته‌اند و سوال دیگر این است که آیا شناخت باعث مصلحت‌سنجی در مسیر عدالتخواهی نمی‌شود؛ درواقع حدود و تغور عدالتخواهی نافذ به جذب حداکثری کجاست؟

برای اینکه موضوع برای شما روشن شود، مصداقی عنوان می‌کنم، بعد از انقلاب به‌محض پیروزی انقلاب برخی دوستانی که خیلی ادعای پیروی از فقه و مبانی داشتند در برخی زمینه‌ها برای اجرای عدالت به کتاب «تحریرالوسیله» امام(ره) رجوع کردند و گفتند تحریرالوسیله شما را مدنظر قرار دادیم و قانون کار را بر این اساس تنظیم می‌کنیم.

امام(ره) فرمودند این حرف‌ها چیست؟ تحریرالوسیله من برای زمانی است که مسائل حکومتی مطرح نبوده و خارج از قدرت بودیم و اصلا مسائل حکومتی را درنظر نمی‌گرفتیم.

این مرتشان می‌دهد کسانی که امروز برای اجرای عدالت دخیل است در زمانی که از قدرت بیرون هستید مطرح نبوده و در این صورت شما نمی‌توانید مکانیسم قدرت را درک کنید.

بنابراین امام گفتند تحریرالوسیله من برای دورانی است که در قدرت نبودیم و مکانیسم‌های مختلف در این زمینه دخالت نداشت، لذا امروز باید مناسبات جدیدی را که با آن در مسائل تنظیم حکومت موجه هستیم، لحاظ کنیم و اگر این نکته را لحاظ نکنیم عدالت محقق نخواهد شد.

استدلال ایشان این بود با چیزهایی که برای خارج از قدرت یا برای دورانی بوده که در عزلت بودیم و هرگز به ما اجازه ورود به مسائل حکومتی و اداره جامعه نمی‌دادند، نمی‌توان قوانین دوران حکومت را به دست آورد.

در این قضیه میانی امام(ره) که تغییر نکرد؟

خیر، میانی امام(ره) تغییر نکرد؛ بلکه با مسائل جدیدی بعد از اجرایی حکومت جامعه مواجه می‌شود که قبلا با آن مواجه نبودید.

یعنی در شرایطی که تحت سلطه بودیم، قاطبه مومنان اصلا با این مسائل مواجه نبودند.

امام(ره) در مسائل جهانی حرکت موفقی دارد و برای تقویت عدالت می‌دانند ابتدا باید ملت‌های مظلوم را تقویت کنند تا شاخ در شاخت است، نه تاشی از شعار؛ درست است که جهت‌گیری شعاری امام(ره) شفاف است اما کار ما فقط از شعار شناخت است. یک شناختی به‌عنوان عقیده بحث عدالت‌طلبی وجود دارد و از این‌رو شما می‌بینید بسیاری از کسانی که با امام(ره) ادعای همراهی دارند در مسائل وحدت، گمیت آنها کاملا لنگ است!

امام(ره) تلاش بسیار زیادی دارند که در مسیر عدالتخواهی جاذبه حداکثری داشته باشند؛ حتی از قبل انقلاب نیز این‌طور بود و واقعا عجیب است و باور نمی‌کند که امام(ره) چقدر در این زمینه هوشمندی دارند و هرگز وارد تقابل با نیروهایی که در مسیر مقابله با استبداد و سلطه هستند، قرار نمی‌گیرند؛ یعنی هرگز آمریکایی‌ها و جریان استبداد توطئه می‌کنند تا جالشی بین نیروهای دمساستبداد و ضدسلطه ایجاد شود اما امام(ره) هوشمندانه از کنار آنها عبور می‌کند؛ مصادیق فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد و این موضوعی نیست که من بدون مصادیق تاریخی دراین‌باره صحبت کنم.

بازخوانی رویکرد امام در بحث عدالت را مرور کنیم.

وقتی رویکرد امام(ره) را در این زمینه بررسی می‌کنیم متوجه تدابیر جدی ایشان در عرصه داخلی برای اینکه افراد را مجاب به قانون‌مداری کنند، می‌شویم.

یکی از مسائلی که لازم به‌ذکر است، قانون‌مدار شدن افراد عدالتخواه است، چراکه امکان دارد شعار عدالت به‌دهید اما خودتان قانون‌مدار نباشید و سیره‌های غیرقانونی را برای اجرای عدالت دنبال کنید؛ با چنین رویکردی هرگز به عدالت نمی‌رسید و نمی‌توانید حتی یک گام جامعه را در زمینه عدالت جلو ببرید و حتی نتایج معکوس و عقیم‌گرد ایجاد خواهید کرد.

یعنی معتقدید امام قائل به عدالتخواهی مبتنی‌بر قانون بودند؟

امام در این زمینه یک همه‌جانبه‌نگری وسیعی داشتند و برای اجرای عدالت معتقد بودند باید حتما میان نیروهای عدالتخواه یا نیروهایی که وجه مشترکی در ارتباط با عدالتخواهی دارند، وحدت ایجاد کنید در غیر این صورت قادر نخواهید بود در زمینه عدالت گام بردارید؛ چراکه اگر غیر از این باشد نمی‌توانید و درهم شکسته و نامیدمی می‌شوید.

بنابراین شما زمانی موفق می‌شوید در زمینه عدالت گام موثر بردارید که تمام توان خود را در این زمینه جمع‌آوری و متحد و موفق کنید.

این وحدت‌رویه برای تحقق عدالت در نگاه امام چطور بروز و ظهور داشت؟

این وحدت از این رو بود که امام(ره) مکانیسم‌های بی‌عدالتی حاکم بر جهان را خوب می‌شناختند و می‌دانستند قدرتی که از این بی‌عدالتی حاصل شود، بسیار سنگین است.

خود بی‌عدالتی قدرت ایجاد می‌کند، نه قدرت در حمدرم بلکه درمقابل مردم، بنابراین وقتی بی‌عدالتی وجود داشته باشد

ادامه از صفحه ۲

تمام عوامل را شناخت.

به عدالت نمی‌رسیم مگر اینکه شأن توده‌های مردم ارتقا یابد؛ نخبه‌گرایان نمی‌توانند در بسط عدالت تحول ایجاد کنند بخشی از این مساله عدالت، عدالت اقتصادی است که امروز در جامعه روی آن تمرکز ویژه‌ای وجود دارد. این مساله در نگاه امام(ره) چه ویژگی و مختصاتی دارد؟

امام(ره) عدالت را صرفا در مسائل اقتصادی خلاصه نمی‌کنند. امام(ره) در مسائل سیاسی عدالت را خیلی ضروری می‌دانند، در مسائل فرهنگی عدالت را بسیار ضروری می‌دانند. یعنی تحقق عدالت را در همه عرصه‌ها دنبال می‌کنند. امکان ندارد شما بتوانید عدالت را منحصر در زمینه اقتصاد دنبال کنید، درحالی که عدالت در زمینه مسائل سیاسی جاری نشده باشد. در این موضوع چیزی که باید توجه شود این است که امام(ره) مبنای اجرای عدالت و پیشبرد عدالت را توده‌های مردم می‌دانند. یعنی امام(ره) معتقدند اگر به‌طور جدی می‌خواهید عدالت در جامعه محقق شود باید مبنای این تحول در دامن مردم باشد. به‌عبارت دیگر ما قادر نخواهیم بود به عدالت در جامعه برسیم بدون اینکه شأن توده‌های مردم را در جامعه ارتقا ببخشیم. بسیاری از نیروهای سیاسی امروز نخبه‌گرا هستند. نخبه‌گرایان نمی‌توانند در مسیر عدالت تحول قابل‌اتکایی ایجاد کنند. گرچه در این زمینه شعار هم بدهند، اما هرگز به‌صورت مبنایی نمی‌توانند حرکتی را صورت دهند. زمانی می‌توان عدالت را در جامعه جاری کرد که ارتقای شأن مردم اساس حرکت باشد. یعنی وقتی شأن توده‌های مردم ارتقا یافت، مردم در زمینه سیاسی، در زمینه فرهنگی و در زمینه اقتصادی توسعه یافتند، آنگاه زمینه تحقق عدالت فراهم می‌شود. وقتی امام(ره) توصیه می‌کنند در ارتباط با توزیع خدمات و امکانات، اصل را توده‌های مردم قرار دهید یعنی تمام اهتمام شما این باشد که محرومین را در مسائل اقتصادی ارتقا دهید، همزمان امام(ره) می‌فرمایند باید مردم در مسائل سیاسی مبنا باشند، رای آنها اساس باشد. نه اینکه در رای آنها خطا وجود ندارد. امام(ره) می‌دانند ممکن است متاثر از بازار مکاره‌ای که قدرت‌های زیاده‌خواه ایجاد می‌کنند، این رای متاثر شود، اما باوجوداین، برآن تاکید می‌کنند، چون می‌خواهند ارتقای سیاسی ایجاد کنند. اگر می‌خواهید خیلی از کسانی را که امروز دم از عدالت می‌زنند، بشناسید، باید ببینید که شعارها و اعمال آنها می‌تواند تغییری در جامعه ایجاد کند یا نه؟ باید ارزیابی کنید اینها توده‌های مردم را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ارتقا نمی‌بخشند یا خیر؟ امام(ره) در همه این زمینه‌ها معتقد بودند اگر می‌خواهیم به عدالت دست یابیم، باید ارتقای شأن مردم را در همه این زمینه‌ها به‌طور همزمان دنبال کنیم والا عدالت تحقق پیدا نمی‌کند. برای مثال در زمینه سیاسی ما همچنان چالش جدی داریم، بسیاری خلوص ایجاد کنم. زمانی آدم خالصی می‌شود که در صحنه اداره جامعه، بروبدوبرای همه مسائل جامعه دنبال راه‌حل باشید، نه اینکه من بگویم طرف خود را می‌چسبم و کاری به حرکت‌هایی ندارم و به مسائل جامعه هم از هیات خود نگاه می‌کنم. می‌گویند با این آدم‌هایی که با من همفکر هستند می‌خواهیم خلوص گرایی کنیم. خب، چنین کاری هم شدنی نیست. قرار بود یک انسان خالص قرار زمان خود باشد.

این نگاه احتمالا به حذف بقیه جامعه می‌انجامد.

بله، اما اصلا نمی‌شود چنین کاری کرد. خودمان هم خالص نمی‌شویم، بقیه را هم حذف کرده‌ایم.

در این امر امام(ره) به‌سادگی رسم را حذف نمی‌کردند. درست است؟

خیر، امام(ره) بنی‌صدر را وقتی آن همه خطا کرده چون می‌دانستند فریب منافقین را خورده، حذف نکردند. به او گفتند فریب اینها را نخور و در ایران بمان. این رفتار و کلام امام زمانی است که بنی‌صدر با منافقین پیوند خورده است و منافقین علیه ملت ایران آشکارا قیام کردند. در این برهه امام(ره) به بنی‌صدر می‌گویند فرار نکنید، خارج از کشور نروید و همین جا بمانید کارهای علمی کنید. می‌گویند باوجوداین که در مسائل اجرایی فریب خورده‌اید در داخل کشور بمانید. درمورد آقای منتظری هم همین نصیحت را داشتند. می‌گویند حال که در مسائل سیاسی ساده‌اندیش هستید، کارهای علمی کنید. این موقعی است که او هم با منافقین و عوامل وابسته به غرب پیوند خورده است. باوجود این، امام(ره) تلاش می‌کنند در یک‌سری اشتراکات او را نگه دارد. یعنی امام(ره) حداکثر تلاش خود را می‌کرد که انسان‌ها را نگه دارد. حتی با کسی که دچار لغزش‌های متعدد شده است، می‌توان وجه اشتراک پیدا کرد. چراامام(ره) این نگاه را دارد؟ چون امام(ره) احساس می‌کند ما در برابر دشمنان بزرگ باید از حداکثر توان خود استفاده کنیم. بدون آن، دشمن ما را قطعه‌قطعه می‌کند و ما را می‌شکند. اتحاد است که می‌تواند ما را دربرابر دشمن بشریت و دشمن ملت حفظ کند.

زمانی می‌توان در مواجهه با دشمن اصلی راسخ بود که در جبهه داخلی انعطاف‌ناپذیری پیروزی باید همه نیروهای عدالتخواه و کسانی که نگاه جامعی دارند، متحد شوند یعنی این نگاه امام شامل روابط خارجی هم می‌شد؟ نگاه امام به روابط خارجی ملت‌ها یا کشورهایی که رابطه با آمریکا داشتند چطور بود؟ امام محدودیتی ایجاد کرده بودند؟

خیر، خیلی باز بودند. در این زمینه یعنی در دشمن‌شناسی امام(ره) تاکید زیادی بر وحدت و جدا کردن دشمن‌ها از دیگر کشورها دارد. امام(ره) بر اولویت قائل شدن درمورد دشمن اصلی تاکید داشتند. معتقد بودند تمام توان و ظرفیت ممکن را باید برای مبارزه با دشمن اصلی به کار گرفت.

ببینید، نمی‌توانید راه اجرای عدالت را هموار کنید مگر اینکه نسبت به بزرگ‌ترین قدرت‌های ضدانسانی که زخمار چپاول انسان‌ها و نقض عدالت هستند، متحدانه موضع بگیرید. شما برای اینکه بتوانید نسبت به آنها موضع داشته باشید، باید در جبهای خلق انعطاف داشته باشید. اگر می‌خواهید در مواجهه با دشمن اصلی راسخ باشید، باید در جبهه داخلی انعطاف داشته باشید.

زمانی می‌توانید در برابر قدرت‌های سرکش نسبت به بشریت و ناقض عدالت موضع قاطع داشته باشید که با نیروهای عدالت‌طلب باید این‌گونه که گفته شد، برخورد کنید، از در وحدت دربیایید. حتما باید با آنها در مسیر وحدت قرار بگیرید، بلا اقدار به پیروزی نخواهید بود. امام(ره) این مطلب را یک نگاه استراتژیک می‌دانند نه تاکتیکی؛ چراکه از چنین نسبت به قدرت‌های مسلط جهان شناخت دارند و می‌دانند چه قدرتی به‌هم زده‌اند.

نگاه‌نافی برخی باعث شده در داخل بر سر هر موضوعی با لاتزین اختلافات را ایجاد کنند

سال‌ها گذشته‌اند اما هنوز اغذار کردند، سال‌ها این راغارت کردند و نفت ایران را به تاراج بردند و این غارت‌ها حالا تبدیل به انباشت ثروت شده است. این انباشت ثروت می‌تواند رسانه‌ها را به خدمت بگیرد، می‌تواند همه بازوهای قدرت را علیه اجرای عدالت به خدمت بگیرد. امام(ره) این شناخت را دارد، ولی خیلی از کسانی که در داخل کشور هستند و می‌گویند طرفدار امام(ره) هستیم، چون این شناخت را نسبت به مناسبات جهانی ندارند، نسبت به راهکارهای امام(ره) بی‌تفاوت هستند و نمی‌دانند مسیر موفقیت کدام مسیر است، لذا در داخل کشور بر سر هر موضوعی در بالاترین حد خواختلاف ایجاد می‌کنند، چراکه نگاه نافی دارند، نگاه جامع ندارند. این ماجرا مانند همان نگاه برخی در اول انقلاب است که اصلا نگاه حکومتی نداشتند.

منظورتان همان ماجرای خلوص و وحدت است؟

بله، ای کاش اینها به‌دنبال خالص‌گرایی بودند. خلوص‌گرایی مطرح‌شده از سوی برخی، فقط یک شعار زیباست و کاری از پیش نمی‌برد. خلوص‌گرایی زمانی ایجاد می‌شود که واقعا با شناخت دقیق مسائل در صحنه عمل کنید. خلوص را در خلأ نمی‌توان دنبال کرد. شما در صحنه باید آدم خالصی باشید، نه اینکه یک حصار دور خود ایجاد کنید و بگویید می‌خواهم در این حصار برای خود

ادامه در صفحه ۷

به عدالت نمی‌رسیم مگر اینکه شأن توده‌های مردم ارتقا یابد؛ نخبه‌گرایان نمی‌توانند در بسط عدالت تحول ایجاد کنند

بخشی از این مساله عدالت، عدالت اقتصادی است که امروز در جامعه روی آن تمرکز ویژه‌ای وجود دارد. این مساله در نگاه امام(ره) چه ویژگی و مختصاتی دارد؟

امام(ره) عدالت را صرفا در مسائل اقتصادی خلاصه نمی‌کنند. امام(ره) در مسائل سیاسی عدالت را خیلی ضروری می‌دانند، در مسائل فرهنگی عدالت را بسیار ضروری می‌دانند. یعنی تحقق عدالت را در همه عرصه‌ها دنبال می‌کنند. امکان ندارد شما بتوانید عدالت را منحصر در زمینه اقتصاد دنبال کنید، درحالی که عدالت در زمینه مسائل سیاسی جاری نشده باشد. در این موضوع چیزی که باید توجه شود این است که امام(ره) مبنای اجرای عدالت و پیشبرد عدالت را توده‌های مردم می‌دانند. یعنی امام(ره) معتقدند اگر به‌طور جدی می‌خواهید عدالت در جامعه محقق شود باید مبنای این تحول در دامن مردم باشد. به‌عبارت دیگر ما قادر نخواهیم بود به عدالت در جامعه برسیم بدون اینکه شأن توده‌های مردم را در جامعه ارتقا ببخشیم. بسیاری از نیروهای سیاسی امروز نخبه‌گرا هستند. نخبه‌گرایان نمی‌توانند در مسیر عدالت تحول قابل‌اتکایی ایجاد کنند. گرچه در این زمینه شعار هم بدهند، اما هرگز به‌صورت مبنایی نمی‌توانند حرکتی را صورت دهند. زمانی می‌توان عدالت را در جامعه جاری کرد که ارتقای شأن مردم اساس حرکت باشد. یعنی وقتی شأن توده‌های مردم ارتقا یافت، مردم در زمینه سیاسی، در زمینه فرهنگی و در زمینه اقتصادی توسعه یافتند، آنگاه زمینه تحقق عدالت فراهم می‌شود. وقتی امام(ره) توصیه می‌کنند در ارتباط با توزیع خدمات و امکانات، اصل را توده‌های مردم قرار دهید یعنی تمام اهتمام شما این باشد که محرومین را در مسائل اقتصادی ارتقا دهید، همزمان امام(ره) می‌فرمایند باید مردم در مسائل سیاسی مبنا باشند، رای آنها اساس باشد. نه اینکه در رای آنها خطا وجود ندارد. امام(ره) می‌دانند ممکن است متاثر از بازار مکاره‌ای که قدرت‌های زیاده‌خواه ایجاد می‌کنند، این رای متاثر شود، اما باوجوداین، برآن تاکید می‌کنند، چون می‌خواهند ارتقای سیاسی ایجاد کنند. اگر می‌خواهید خیلی از کسانی را که امروز دم از عدالت می‌زنند، بشناسید، باید ببینید که شعارها و اعمال آنها می‌تواند تغییری در جامعه ایجاد کند یا نه؟ باید ارزیابی کنید اینها توده‌های مردم را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ارتقا نمی‌بخشند یا خیر؟ امام(ره) در همه این زمینه‌ها معتقد بودند اگر می‌خواهیم به عدالت دست یابیم، باید ارتقای شأن مردم را در همه این زمینه‌ها به‌طور همزمان دنبال کنیم والا عدالت تحقق پیدا نمی‌کند. برای مثال در زمینه سیاسی ما همچنان چالش جدی داریم، بسیاری از نخبگان حاضر نیستند شأن خودشان را توده‌های مردم یکی بیندازند. عکس این هم هست. در همین ۴۰ سال و اندی از تاریخ انقلاب با زیاده‌خواهی‌های بسیاری از نسل اول انقلاب مواجه بوده‌ایم و هستیم. برخی می‌گفتند نخبگان را در دریا بریزیم. این راه‌حل است؟ خیر. راه‌حل این است که از نخبگان هم استفاده کنیم. باید به نخبگان زیاده‌خواه مهار شوند.

چطور؟ آن فردی که مسئولیتی در کشور دارد می‌گوید باید این مقدار حقوق بگیرم و به اصطلاح چشم و دلم سیر باشد وگرنه... می‌گویند این اقاروزانه فلان مقدار پول از زیر دستش رد می‌شود پس باید آنقدر چشم و دل سیر باشد که به این طمع نکند. حدود و تغور این کجاست؟ این را باید چه کار کرد؟

اینجا نوبرش را بزنم. گاهی آنقدر تنگ‌نظر می‌شویم و گاهی برعکس، در اسلام می‌گویند باید به قاضی آنقدر بسرسد که در اجرای عدالت پای او نلغزد، اما چقدر؟ و آیا اساسا این فرض درموردِ همه مناصب، حاکم است؟ با اینکه اجرای صالح و دچار حرکت‌های پاندولی هستیم، چراکه در شناخت و همه جانبه‌نگری ضعف داریم.

تندروی و کندروی ناشی از ضعف شناخت است. مثال بزنم. گاهی مواقع اخبار مجلس تازه تاسیس را می‌بینم، نگران می‌شوم. می‌گویند به‌صورت شعاف اعلام کنید چه چیزی در مجلس خودبیم. آیا این شفافیت است؟ نباید سطح یک مساله مهم را به این حدود تنزل دهیم که مبتذل شود. اینها عوام‌فریبی است. من می‌گویم برای اینکه بتوان زیاده‌خواهی‌های نخبگان را مهار کرد باید توده‌های مردم را رشد داد. رشد توده‌های مردم زحمات جدی را می‌طلبد. کار ویژه و مسئولیت را می‌طلبد. یک جایی بیایید در برابر آدم‌های تنگ‌نظر بایستید و یک زمانی هم لازم است در برابر زیاده‌خواهی بایستید. هر دو را باید درنظر گرفت.

امام(ره) نمونه‌هایی از این توجه را داشتند؟

زیاد است. هم با آدم‌های تنگ‌نظر، خشکه‌مقدس و مرتجع و هم درمقابل آدم‌هایی که با ساختارشکنی هستند و توجه به مبانی انقلاب اسلامی ندارند، موضع می‌گیرند.

مثال‌هایی می‌توانید بیان کنید؟

در تاریخ حیات امام(ره) مصادیق زیاد است، ایشان هم با اینها مقابله می‌کنند و هم به روشنفکرانی که می‌خواهند از چارچوب اسلامی فراتر بروند. با هر دو پدیده امام(ره) مقابله می‌کنند تا تعادلی در جامعه ایجاد شود تا در این فضای تعادلی رشد توده‌های مردم مبنا قرار گیرد.

اگر مسئولان به‌ویژه‌خواری عادت کنند، جامعه به هم می‌ریزد شعار کلی دادن به ابتدال کشیدن عدالت است درخصوص اموال و ثروت مسئولان توضیح‌تان کامل نشد. دریافت‌های برخی مسئولان و تطابق آن با شأنی که از آن یاد می‌شود، چگونه است؟

لازمه حل این مسائل شناخت نسبت به مسائل کشورداری است. ممکن است امروز متخصصی از خارج از کشور جذب کنید و به او امکانات ویژه بدهید. اصلا نباید در اینجا تنگ‌نظری داشت. این متخصص آدمی است که می‌تواند کشور را رشد دهد، اما در نقطه مقابل این امکانات نباید در اختیار سیاستگذاران باشد. این دو خیلی فرق دارد، امکانات ویژه را باید به سیاستگذاران بدهید یا به فرد متخصصی که عامل تولید است، مولد است. فرد متخصص، سیاستگذار نیست. در اجرای عدالت گاهی مواقع لازم است نیرویی را که می‌تواند تحولی در زمینه تولید برای شما ایجاد کند، با امکانات ویژه جذب کنید تا کشور در یک عرصه متحول شود، این فرق می‌کند با کسی که در عرصه‌های مختلف سیاستگذاری می‌کند و تصمیم‌گیر است. بحث مسئولان فرق می‌کند. اگر مسئولان ویژه‌خواری را عادت کنند، روال جامعه به‌هم می‌خورد. اینها مصداقی باید مورد مطالعه قرار گیرند. شعار کلی دادن به ابتدال کشیدن عدالت است. قطعا باید سطح زندگی مسئولان کشور با جامعه فاصله نداشته باشد. امام(ره) تاکید دارند نباید فاصله مسئولان با توده‌های مردم زیاد باشد. امام(ره) در این زمینه تاکید دارند و می‌گویند اگر می‌خواهید منحرف نشوید و خدمتگزار باشید، باید فاصله خود را با مردم رعایت کنید و نباید فاصله زیادی داشته باشید. اگر فاصله زیاد شود، مسئول نمی‌تواند مردم را درک کند.

ارتقای زندگی مردم با زیاده‌طلبی مسئولان مغایر است این شرایط با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟

با دو تکنه. یک اینکه مسئولان باید برای اجرای عدالت آدم‌های قانعی باشند، آدم‌های وارسته و خودساخته‌ای باشند و دنبال زیاده‌طلبی نروند و اگر بروند، دیگر برای ارتقای مردم کار نمی‌کنند. ایجاد توسعه و پیشرفت در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای مردم در تضاد با زیاده‌طلبی مسئولان سیاسی است. اینها با هم متعارض است. نمی‌توانیم بگوییم اگر مبنا را ارتقای توده‌های مردم قرار دهیم، آنگاه سیاستگذار و مسئول تنگ‌نظری داشته باشد. نباید مبنای تنگ‌نظری داشت. اینجا اگر دچار تنگ‌نظری شدیم جامعه ما قفل می‌شود.

زندگی مسئولان باید کنترل شود تا منحرف نشوند و جامعه دچار مشکل نشود

گاهی مساله تامین امنیت پیش می‌آید و با آن استدلال برخی رفتارها توجیه می‌شود.

این توجیهات فقط درخصوص کسانی که سرنوشت جامعه را به‌دست دارند، صدق می‌کند. اگر کسی وزیر شد یا مسئول شد باید کنترل شود، البته نه اینکه در خلوت او و اتاق خوابش! به‌صورت کلی عرض می‌کنم، مسئول باید کنترل شود که عوامل بیگانه با او ارتباط برقرار نکنند. این فرد با مردم فرق دارد. ما حق نداریم برای مردم شنود و کنترل بگذاریم. در این خصوص امام(ره) و رهبر معظم انقلاب عبارات زیادی دارند. هر دو تاکیدات زیادی دارند. ما نباید به این وسیله حکومت‌داری را برای خود سهل کنیم.

کنترل کردن سیاستگذاران و مسئولان برای حفاظت و صیانت از توده‌های مردمی است. اگر نماینده مجلس ما دچار سقوط شود این سقوط متوجه توده‌های مردم می‌شود. بنابراین وظیفه داریم برای صیانت از منافع مردم از نماینده مجلس مراقبت داشته باشیم. نباید این چنین باشد که اجازه بدهید نماینده مجلس کاملا منحرف شود و بعد در دوره بعد صلاحیت او را رد کنید.

مثالی هم ذکر می‌کنید؟

در موضوعات متعددی امام(ره) نسبت به کنترل مسئولان تاکید داشتند. به‌عنوان مثال در اینکه امام(ره) مرتب می‌گویند بیوت آقایان باید مراقبت شود و به وزارت اطلاعات دستور می‌دهند بیوت آقای منتظری را کنترل کنید؛ یعنی معتقد به این مساله است. یعنی صرفا امام(ره) بود که می‌توانست دستور کنترل بیت آقای منتظری و حتی شنود آن را صادر کنند چراکه اینجا محل طمع دشمن است. دشمن اگر می‌خواهد نظام